



درس خارج فقه

استاد گرانقدر

آیت الله حاج شیخ محمد قاینی

سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱

قم - پژوهشکده حج و زیارت، گروه فقه و حقوق

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

و لعنة الله على أعدائهم إلى يوم الدين....

جلسه هفتم: بررسی اجزاء (حکم وضعی صحت) نماز با مخالفین

مباحث جلسه گذشته :

بحث در حکم استحباب اعاده‌ی نماز به صورت فرادا بود که مرحوم صاحب وسائل فرموده بود: «بَابُ اسْتِحْبَابِ إِيقَاعِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ الْمُخَالَفِ أَوْ بَعْدَهُ وَ حُضُورِهَا مَعَهُ»، یعنی علاوه بر اینکه نماز را با مخالف انجام می‌دهد، مستحب است قبل از نماز با آنان نماز خود را بخواند یا بعد از نماز با آنان نمازش را اعاده نماید.

عرض شد آن‌چه از روایات ذیل این عنوان در وسائل استفاده می‌شود، بعید نیست کسی که نماز فریضه‌ی خود را به صورت فرادا خوانده، بعد از آن مستحب است اعاده‌ی نماز بصورت جماعت ولو اینکه امام آن جماعت از مخالفین باشد. یعنی شأن نماز معاده‌ی جماعتی با امامت مخالف شأن نماز معاده‌ی با امام جماعت عادل شیعی است؛ این يك مطلب.

مطلب دیگر که صاحب وسائل ادعا می‌کند این است که مستحب است قبل از اینکه مکلف نماز جماعت با مخالف بخواند، نمازش را به صورت فرادا بخواند و بعد از آن حضور در جماعت با مخالفین داشته باشد یا اینکه وقتی با آنان نماز خواند مستحب است نمازش را اعاده نماید. آن‌چه از این روایات استفاده می‌شود در حقیقت وحدت نحوه‌ی مشروعیت نماز معاده‌ی با امام مخالف است با نماز معاده‌ی با امام عادل و معنای وحدت حکم در هر دو مورد این است که چنانچه مکلف قبل از حضور با مخالفین نمازش را فرادا خوانده است، این موجب سقوط استحباب نماز جماعت ولو امام جماعت مخالف باشد، نمی‌شود و این غیر از موردی است که مستحب می‌باشد نماز را فرادا قبل از امام جماعت چه مخالف چه غیرمخالف بخواند و عرض شد آن‌چه از این روایات استفاده می‌شود، مطلب اول است نه مطلب دوم.

کما اینکه از این روایاتی که مرحوم صاحب وسائل ذیل این عنوان مطرح نموده است، هیچ‌یک از این روایات حتی روایت غیر معتبر استحباب اعاده‌ی نماز به صورت فرادا بعد از آن که مکلف نمازش را با مخالفین انجام داده استفاده نمی‌شود.

إن شاء الله بحث از اجزاء نماز با مخالف و کفایت نماز با مخالف از فریضه و جواز به اکتفای به فعل نماز با جماعت مخالف را بعداً در یک جهت مستقلی متعرض خواهیم شد.

آنچه فعلاً محل بحث است، استحباب تقدیم نماز فرادا بر جماعت مخالف و یا اعاده‌ی نماز به صورت فرادی بعد از نماز با مخالف است. ما از روایاتی که مرحوم صاحب وسائل تحت این عنوان آورده، این مطلبی که ایشان خواسته استفاده کند، برداشت نمی‌کنیم.

تنها روایتی که ممکن است مستند ایشان برای استحباب اعاده‌ی نماز به صورت فرادا بعد از نماز با مخالف باشد، روایت ابراهیم بن علی مرافقی و عمر بن ربیع است که در جلسه قبل وضعیت این روایت بیان شد و الآن هم اشاره‌ای خواهیم نمود.

غیر از این روایات، نه در روایات معتبر و نه غیر معتبر که مفادش استحباب اعاده‌ی نماز به صورت فرادا بعد از فعل نماز جماعت با مخالفین است، نمی‌بینیم.

مرحوم صاحب وسائل تعداد ۹ روایت ذکر کرده است و در هیچ کدام استحباب اعاده‌ی فرادا بعد از امام مخالف نیامده است، فقط روایت پنجم این باب، روایت مرافقی و عمر بن ربیع است که در آن آمده است: «صَلِّ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ»، که این هم بر مدعای صاحب وسائل دلالت ندارد. مفاد این روایت نهی از نماز با مخالف است نه بحث استحباب عدم اکتفای بر نماز با مخالف.

روایت این است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَسْنَادُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْحَازِمِيِّ عَنْ (الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ) عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلِيِّ الْمُرَافِقِيِّ وَعُمَرَ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي حَتْمَةَ أَنَّهُ سَأَلَ عَنِ الْإِمَامِ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَتَقِ بِهٖ أَصْلِي خَلْفَهُ وَأَقْرَأُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا، صَلِّ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ». قِيلَ لَهُ: أَفَأَصَلِّي خَلْفَهُ وَ أَجْعَلُهَا تَطَوُّعًا؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ قَبِلَ التَّطَوُّعُ لَقَبِلْتُ الْفَرِيضَةَ، وَ لَكِنْ أَجْعَلُهَا سَبِيحَةً»^۱.

مفاد روایت این است که نماز فریضه را نباید با مخالف خواند و حتی به صورت مستحب هم نماز با مخالفین شکل نمی‌گیرد. آنچه که در روایات آمده از استحباب نماز با مخالف، این روایت عدم استحباب نماز با مخالف را بیان می‌کند. لذا این روایت حمل بر غیر نماز با مخالفین می‌شود، یعنی این روایت محمول بر امام جماعتی است که از غیر مخالفین است و هیچ مطلوبیتی نماز با آنان (یعنی امام غیر ثقه از غیر مخالفین) ندارد.

پس آنچه که در این روایت آمده: «**صَلِّ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ**»، مربوط به نماز با مخالف نیست تا گفته بشود مفاد این روایت استحباب تقدیم یا تأخیر نماز فرادا نسبت به نماز با مخالفین دارد. از این روایت که بگذریم، دیگر روایات این باب مفادشان استحباب اعاده قطعاً نیست؛ چون مفاد این روایات چنین است: نماز خودم را به صورت فرادا قبلاً خواندم و بعد وارد مسجد می‌شوم، آیا با مخالفین نماز خواندن چه حکمی دارد؟ این که قبلاً

۱. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ۸: ۳۰۳، ح ۳ (۱۰۷۳۲).

نمازم را خواندم ربطی به بحث اعاده‌ی نماز به صورت فرادا بعد از جماعت ندارد. اگر باشد بحث استحباب تقدیم نماز فریضه بر فعل جماعت مخالف است که از این روایات استفاده نمی‌شود و به نظر نمی‌آید که از این روایات بشود استفاده کرد. چون در این روایات مفروض نماز فرادا قبل از حضور با جماعت مخالفین است. نه اینکه امر به این جهت شود که اول نماز را به صورت فرادا بخوانید و بعداً در مساجد آنان شرکت کنید. راوی فرض می‌کند که ما نمازمان را به صورت فرادا چنانچه بخوانیم و بعد حضور در مسجد پیدا بکنیم، وضعیت أجر این نماز فرادا چیست؟ خوب معلوم است که نماز قبل از حضور جماعت حتی امام عادل مشروعیت دارد، این طور نیست که نماز فرادا نامشروع باشد؛ همان طوری که نماز فرادا قبل از حضور با امام شیعی، مشروعیت دارد، نماز فرادا قبل از حضور در جماعت مخالف نیز مشروعیت دارد.

نماز فرادا قبل از جماعت مخالف مشروعیت دارد این يك مطلب، و اینکه مستحب است و مطلوبیت دارد تقدیم نماز فرادا بر نماز جماعت با مخالفین امر دیگری است. یعنی اگر ما باشیم و مقتضای قاعده، اصلاً هیچ روایت خاصی نمی‌خواهد، خوب نماز فرادا اول وقت مشروعیت دارد و أجر هم دارد چون هر عمل مشروعی أجر دارد، این غیر از این است که مستحب است که نماز واجب را قبل از حضور در نماز مخالفین به صورت فرادا بخوانید. این حرف در امام جماعت شیعی هم هست که اگر قبل از حضور در جماعت شیعی نماز را به صورت فرادا بخواند مشروع است.

آنچه که از این روایت استفاده می‌شود بیش از این مطلب نیست که مشروعیت نماز فرادا و نه استحباب تقدیم آن بر فریضه است. و اما مسأله‌ی اعاده‌ی نماز بعد از نماز با مخالفین از هیچ يك از روایات حتی به صورت توهم هم قابل استفاده نیست. و تنها روایتی که آمد مفادش آن است که قبلاً بیان شد. متحصّل بحث این شد که آنچه صاحب و سائل به عنوان استحباب ایقاع فریضه قبل یا بعد مخالف آورده است و حضور با مخالف را در جای خود فرموده است، دلیلی بر این جهت نیافتیم.



مباحث جلسه امروز :

نوبت می‌رسد به بحث مشروعیت نماز با مخالف به معنای حکم وضعی اجزاء و صحت آن که جهت دیگری است در بحث نماز با مخالف.

به نظر می‌آید که مستفاد از روایات متعدد و از طوائفی از روایات، این مطلب به وضوح قابل استفاده باشد و اینکه نماز با امام جماعت مخالف، انسان وظیفه‌ی واجب خود را همراه آنان بخواند، این نمازش مجزی است و الزامی به اعاده و عدم اکتفای به آن ندارد. تا جایی که از روایات استفاده می‌شود که حتی اگر نماز با امام جماعت مخالف مستلزم إخلال به برخی از وظائف فرادا هم باشد، حکم به اجزاء و کفایت می‌شود. این مطلب از عده‌ای از روایاتی که اشاره می‌شود قابل استفاده است.

جدای از اطلاق عده‌ای از روایات که ترغیب نماز با مخالفین بود مانند: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ كَانِ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ»^۲ که بعید نیست این روایات اطلاقش همین اقتضا را داشته باشد که مکلف نماز خود را و فریضه‌ی خود را با آنان بخواند مأجور است. حالا با رعایت وظایف منفرد و عرض شد که اگر نتواند برخی وظایف منفرد را رعایت کند، چون نماز با آنان مستلزم احیاناً رعایت عدم جهر در نمازهای جهریه است، بعید نیست اطلاق این روایات اقتضای کفایت نماز با آنان را داشته باشد و إلاّ جا داشت بعد از ترغیب به نماز با مخالفین، تذکر به امر به اعاده می‌آمد، در حالی که ما در هیچ روایتی از روایات، امر به اعاده‌ی نماز با مخالف را نمی‌بینیم و نداریم.

اینکه عرض شد اطلاق این روایات بعد از آنی که نماز با آنان حداقل معروضیت تصور کفایت آن نماز را برای مخاطب می‌آورد، اگر با وجود این معروضیت تصور کفایت کافی نبود و نماز با آنان مجزی نبود، مکلف ملزم به اعاده بود، هرآینه در این روایات باید تذکر داده می‌شد که نماز با آنان با این همه اجزی که دارد حتماً اعاده شود. و این که در برخی روایات آمده: «مَا هُمْ عِنْدِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْجُدُرِ»^۳ قبلاً توجیه مثل این روایت گذشت و مفاد این بود که نماز به صورت جماعت با اینان منعقد نمی‌شود ولی منافاتی با اجزای نماز با اینان نداشت و گفتیم بعید نیست این گونه باشد که نماز با اینان از نماز پشت دیوار که کمتر نیست. شما اگر نماز منفرد را انجام بدهی، خوب عمل شما کافی خواهد بود. منتها برخی از وظائف منفرد که رعایت آن ممکن نیست مثل جهر در قرائت، چون وظیفه‌ی جهر در قرائت را رعایت نمی‌کنید پس اعاده کنید، از سکوت این روایات فهمیده می‌شود که إخلال به این امور که ملازم با حضور و شرکت در نماز با مخالفین است، مخلّ به اجزا و صحت عمل نیست.

ضمن اینکه مورد جهر در قرائت، عمده دلیلش این است که جهر مثلاً با شرایطی در عمل معتبر است، دلیل لزوم جهر آنطور که معهودم است اطلاق ندارد که الزاماً در همه جا شکل بگیرد. آن چه که در دلیل آمده این است: اگر کسی در جایی که باید جهر و إخفات کند عمل نکند، عملش مجزی نیست حالا کجا جهر و إخفات را مراعات کند؟ آیا جهر در نماز صبح و مغربین با فرض اقتدا به مخالفین باز هم معتبر است؟ این از دلیل معتبر قابل استفاده نیست. آن چه از روایات شرطیت مثل جهر استفاده می‌شود، این است که در بعضی موارد جهر در قرائت شرط است، آیا این جهر علی الاطلاق معتبر است یا با فرض نماز فرادا معتبر است، و با فرض جماعت مخالف آن جا هم رعایت وظیفه‌ی فرادا ولو با جهر لازم است یا نه؟ با این روایات فراوان که مفادش مشروعیت نماز با مخالفین است و عدم تذکر به اجزاء و امر به اعاده به نماز با مخالف، دلالت روشنی بر اجزاء و عدم وجوب اعاده دارد.

۲. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ۸: ۲۹۹، ح ۱ (۱۰۷۱۷).

۳. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ۸: ۳۰۹، ح ۱۰ (۱۰۷۴۹).

قطع نظر از این اطلاق روایاتی در باب ۵ از ابواب نماز جماعت آمده است که متضمن اجزا و صحت عمل و عدم وجوب اعاده عمل است، و روایاتی بود که نسبت به نماز با ناصبی، مکلف چگونه وظیفه‌ی خود را عمل کند؟ که قبلاً متعرض شدیم.

مرحوم صاحب وسائل در باب ۳۳ از ابواب صلاة الجماعة برخی از این روایات را آورده است.

صحیح‌های علی بن یقطين که روایت تهذیب است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَسْنَادُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقِطِينَ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقِطِينَ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقِطِينَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي خَلْفَ مَنْ لَا يَقْتَدِي بِصَلَاتِهِ، وَالْإِمَامُ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِقْرَأْ لِنَفْسِكَ وَإِنْ لَمْ تُسْمِعْ نَفْسَكَ فَلَا بَأْسَ»^۴.

قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي خَلْفَ مَنْ لَا يَقْتَدِي بِصَلَاتِهِ، وَالْإِمَامُ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ؟ این مورد در نماز جهریه است. حضرت فرمود: «إِقْرَأْ لِنَفْسِكَ». تو قرائت وظیفه‌ی خودت را انجام بده و **إِنْ لَمْ تُسْمِعْ نَفْسَكَ فَلَا بَأْسَ**. اگر قرائت به صورت حدیث نفس باشد و خودت نمی‌شنوی که شرط قرائت اختیاری و اذکار این است که در حد إسماع نفس باید باشد و در حد حدیث نفس اختیاراً جایز نیست، ولی در نماز با مخالف مکلف اگر ناچار باشد و قرائتش را به صورت حدیث نفس انجام دهد کفایت می‌کند. خوب ظاهر این روایت این است که همان وظیفه‌ی خودش را مکلف انجام دهد و همین نماز فریضه‌ی او همین است که با مخالف انجام می‌دهد.

روایت بعدی هم همین طور...

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ مَنْ يَتَوَلَّى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ هُوَ يَرَى الْمَسْحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ، أَوْ خَلْفَ مَنْ يُحَرِّمُ الْمَسْحَ وَ هُوَ يَمْسَحُ؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ جَامِعَكَ وَ إِيَّاهُمْ مَوْضِعٌ، فَلَمْ تَجِدْ بُدْءًا مِنَ الصَّلَاةِ، فَأَذَّنْ لِنَفْسِكَ وَ أَقِمْ، فَإِنَّ سَبَقَكَ إِلَى الْقِرَاءَةِ فَسَبِّحْ»^۵.

نامه‌ای به امام جواد علیه السلام می‌نویسد و امام علیه السلام جواب را می‌نویسد. اینکه در روایت آمده: **خَلْفَ مَنْ يَتَوَلَّى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ** بعید نیست مراد کسانی باشد که محبّ امیرالمؤمنین علیه السلام بوده‌اند؛ اگر بنا باشد منظور خصوص امام شیعی باشد که انحراف در برخی عقاید مثل مسح علی الخفین داشته باشد. ولی اطلاق روایت قبل که اشاره شد هست. جدای از آن روایت که شاید صریح در نماز با مخالفین باشد روایتی است که مرحوم شیخ و مرحوم کلینی و صدوق آن را نقل کرده‌اند

۴. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ۸: ۳۶۳، ح ۱ (۱۰۹۱۱).

۵. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ۸: ۳۶۳، ح ۲ (۱۰۹۱۲).

وَ عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ يَأْسَدَ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «يُجْزِيكَ إِذَا كُنْتَ مَعَهُمْ مِنَ الْقِرَاءَةِ مِثْلُ حَدِيثِ النَّفْسِ».

وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا وَ رَوَاهُ الْكَلِينِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ مِثْلَهُ.^٦

محمد بن ابی حمزه ظاهراً همان محمد بن ابی حمزه ثمالی باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «يُجْزِيكَ إِذَا كُنْتَ مَعَهُمْ يَعْنِي بِاِمْتِنَانِهِ مِنَ الْقِرَاءَةِ» مِثْلُ حَدِيثِ النَّفْسِ».

وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يَكُونُ خَلْفَ الْإِمَامِ لَا يَقْتَدِي بِهِ، فَيَسْبِقُهُ الْإِمَامُ بِالْقِرَاءَةِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا كَانَ قَدْ قَرَأَ أَمَّ الْكِتَابَ، أَجْزَأَهُ يَقْطَعُ وَيَرْكَعُ».^٧

امام جماعت قرائتش زودتر تمام می شود از این مأمومی که قرار است قرائتش را خودش مستقلاً بخواند.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا كَانَ قَدْ قَرَأَ أَمَّ الْكِتَابَ أَجْزَأَهُ يَقْطَعُ وَيَرْكَعُ».

باز در روایت ششم این باب که روایت بنظری است کفایت انجام حمد در صورتی که فرصت قرائت سوره برای او باقی نمی ماند آمده است.

روایت نهم این باب روایت حلبی است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ لَا تَقْتَدِي بِهِ، فَأَقْرَأْ خَلْفَهُ سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ».^٨

باز در باب ۳۴ از ابواب نماز جماعت تعدادی روایت است که از آنها استفاده می شود نماز با امامی که جماعت با او مشروعیت به عنوان جماعت ندارد، با رعایت وظیفه ای که بیان شد مجزی است. تا جایی که اگر نماز جهریه است جواز اکتفای به قرائت امام از روایات این باب استفاده می شود؛ مانند روایت سوم این باب:

وَ يَأْسَدَ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ تُصَلِّيَ خَلْفَ النَّاصِبِ، وَلَا تَقْرَأْ خَلْفَهُ فِيمَا يُجَهَرُ فِيهِ، فَإِنْ قَرَأْتَهُ تُجْزِيكَ إِذَا سَمِعْتَهَا».

٦. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ٨: ٣٦٤، ح ٤ (١٠٩١٤).

٧. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ٨: ٣٦٤، ح ٥ (١٠٩١٥).

٨. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ٨: ٣٦٥، ح ٩ (١٠٩١٩).

وَعَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّاصِبِ يُؤْمِنُ مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ مَعَهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَمَا إِذَا جَهَرَ فَأَنْصِتْ لِلْقِرَاءَةِ وَاسْمَعْ، ثُمَّ ارْكَعْ وَاسْجُدْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ».^٩

از بقیه روایات این باب اجزاء استفاده می شود، از جمله پنجمین روایت باب از زراره است.

وَيَسْنَدُهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ تُصَلِّيَ خَلْفَ النَّاصِبِ، وَلَا تَقْرَأَ خَلْفَهُ فِيمَا يُجَهَرُ فِيهِ، فَإِنْ قَرَأْتَهُ تُجْزِيكَ إِذَا سَمِعْتَهَا».^{١٠}

در باب ۳۵ هم برخی روایات دلالت بر اجزاء دارند مانند روایت اول باب که معتبره زراره است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ، فَأَفْرُغُ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَبْقِ آيَةً وَمَجْدِ اللَّهِ وَاثْنِ عَلَيْهِ، فَإِذَا فَرَّغَ فَأَقْرَأِ الْآيَةَ وَارْكَعْ».^{١١}

قبل از آنی که امام جماعت فارغ از قرائت شد من قرائتم تمام شد، حضرت تعلیم فرمودند: يك آیه را از قرائت باقی بگذار **وَمَجْدِ اللَّهِ وَاثْنِ عَلَيْهِ**، مدح و ثنای الهی را انجام دهد، **فَإِذَا فَرَّغَ** امام جماعت هنگامی که از قرائت فارغ شد، يك آیه باقیمانده را بخوان و نماز را تمام کن.

تعلیم نحوه‌ی کیفیت نماز با مخالف به این صورت که اگر مأوم فارغ از قرائت شود قبل از فراغ امام، در آن فاصله بین فراغ مأوم و رکوع امام، مأوم چه کند؟ دستور دادند که ذکر و تسبیح بگوید.

معنای این روایات چنین می باشد: نماز را عنوان وظیفه‌ی صلاتی مکلف انجام بده. در هیچ يك از روایات اشاره به اعاده نماز نشده یا حتی اشاره به این نشده که قبل از جماعت با آنان خودتان بخوانید.

دلالت اطلاق لفظی این روایات که تعداد آنها بسیار بود، (نه اطلاق مقامی، البته اگر اطلاق لفظی تمام نباشد اطلاق مقامی تمام است)، حاکی از اجزاء و کفایت نماز با امام مخالف است و جواز اکتفای به آن نماز و عدم وجوب اعاده‌ی آن نماز، بلکه بالاتر، از هیچ روایتی استحباب اعاده‌ی نماز هم استفاده نمی شود. با توجه به روایاتی که اشاره کردیم.



و الحمد لله رب العالمين

پایان درس هفتم

٩. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ٨: ٣٦٨، ح ٣ (١٠٩٢٤).

١٠. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ٨: ٣٦٩، ح ٥ (١٠٩٢٦).

١١. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی ٨: ٣٧٠، ح ١ (١٠٩٢٨).